

شهرت و موقف اجتماعی

در رسالت روشنگری از طریق بیان و نوشته

از مدتیست که این موضوع فکر مرا بخود مشغول گردانیده و در سهیم شدن آن با خوانندگان متردد بودم. من به عمق حوادث دردناک کشور آگاهم، و میدانم که صفحات این پورتال همه روزه حاوی نوشته ها و تحلیل های متنوعه نویسندگان محترم چیره دست و دانا به ارتباط وقایع، حوادث و اخبار کشور و جهان است از خود می پرسیدم که آیا با در نظر داشت این واقعیت ها موضوع مورد نظر خود را مطرح بسازم یا نه؟

بهر حال نظر به اهمیتی که این موضوع نزد من دارد می خواهم آنرا مورد بحث قرار داده و امیدوارم بتوانم منظورم را افاده کرده باشم.

همه روزه از ورای رسانه های مختلف می خوانیم ، می بینیم و می شنویم، که توسط گویندگان و نویسندگان به جامعه عرضه می گردد. بهره برداری و آموزش مطلوب از یک پدیده طبعاً در نخستین قدم محتوا، مفهوم و کیفیت مطلب ارائه شده است و البته نمیتوان از نقش عمده مهارت و شیوه ارائه مطلب گوینده و نویسنده که تا چه حد میتواند پیام خود را به نحو مطلوب آن به گیرنده برساند انکار نمود. افزون بر این کوائف، سؤال پیدا می شود که آیا عوامل دیگری هم در مؤثریت گفتار و نوشته دخیل است ؟

از دوران مکتب خوب بخاطر دارم که درس استادی را با علاقه خاص و دلچسپی تعقیب میکردیم که او شخص خوشخو، خوش خلق و مهربان می بود البته که نحوه تدریس فهم ، لیاقت و شیوایی بیانش هم تأثیر خاص خود را داشت. استادی با این خصایل مورد احترام همه قرار داشته و شاگردان بعد از فراغ مکتب هم از وی به نیکویی یاد میکردند، اما معلمین تندخو، خشن و میر غضب القاب خاص کمایی میکردند و از احترام لازم برخوردار نبودند و کمتر به درس شان توجه صورت میگرفت. ورنه همان مکتب بود و همان درس.

از این مثال کوچک چنین استنباط میگردد که شخصیت، اخلاق و موقف اجتماعی شخصی که در موقف اطلاع رسانی ، تدریس و تنویر قرار دارد از انگیزه های مؤثر در پذیرفتن پیامش بشمار میرود.

اگر خطا کار، گنهگار و مشهور با الفسادی به منبر رفته و تبلیغ تقوا و شایستگی نماید علی الرغم استفاده از آیات، احادیث و روایات در گفتار ، به یقین کامل اعمال، کردار و موقف اجتماعی این مُبلغ بر تأثیرات دلخواه گفتارش سایه افکنده و پذیرش گفتارش توسط شنونده به شک و تردید مواجهه میگردد.

غاصب مال مردم و ناقض حقوق بشر اگر برای منافع سیاسی و حزبی اش در مذمت این دو عمل لب بکشد و آنرا موضوع بحث خود قرار دهد، آیا مردم به نحوه گفتار و شیوایی بیانش توجه می کنند و یا به اعمالش. تأثیر چنین تبلیغ قابل پیش بینی است.

اگر رژیم قهار و مستبد که شغل روزمره اش قتل عام مردم، تهدید و تخویف و هراس افگنی باشد، بیانات آتشین که مزین با بهترین کلمات و جملات باشد و از طریق پیشرفته ترین وسایل پخش گردد، آیا باور مردم را کمایی میکند؟ و مورد قبول واقع می گردد؟

آنکه نفاق و شقاق افگنی وسیله و ابزار منافع سیاسی اش بوده بیان و نوشته اش در باب همبستگی و وحدت ملی و تشویق و ترغیب مردم درین راه باشد تأثیری خواهد داشت؟

آیا هرزه و بدکاره مشهور میتواند درس عفت و پاکدامنی بدیگران بدهد ولو که بسیار برازنده و عالی بگوید و یا بنویسد، آیا وی در موقف دفاع از حقوق از دست رفته دیگران است؟

آیا جنگ طلب و ستیزه گری که همه قوای تفکرش صرف جنگ و جدال و منازعه بوده میتواند در صلح جویی همت گمارد و دیگران را به آن توصیه کند؟

نویسنده متبحر و چیره دستی با استعداد زائد الوصف نویسندگی که ظاهراً عزم خدمت مردم و روشننگری می نماید ولی در پشت پرده خلاف موازین اخلاقی مسلکی در طرح توطئه و دسیسه و صدمه زدن به شهرت دیگران می پردازد، آیا از پدیده اش توصیف کرد؟ و یا شخصیت اش را مورد غور قرار داد؟

در انگریزی مقوله است که میگوید « ببین که کی می گوید» Look who is talking

سه دوره پارینه تاریخ ما حوادث و وقایعی بار آورده که هر یک قربانی ها و ناراضی های خاص خود را داشته، آیا هر که برخاست و جمعیتی را که ما از آن ناراض هستیم دشنام داد، انتقاد کرد و جانی و آدمکش خواند برایش کف بزنی و به او لقب قهرمان بخشیم و یا اندکی مکث نماییم و عمیق شویم که او خود کیست؟ بدون شک ما آرامش خاطر و تسکین قهر و غضب خود را در بیان و نوشته های سوزناک و آتشین این گوینده و یا نویسنده می یابیم، سؤال اینجاست که برای گیرنده آگاه و دانا معیار قضاوت بر کدام اصول استوار باشد تنها متون پیام، و یا علاوه بر آن اخلاق، شخصیت و موقف اجتماعی هم دخیل است. آیا ما به مرحله بلوغ فکری نرسیده ایم که قضاوت های انتقام جویانه و عاطفی را کنار گذاشته مسایل را بیشتر عقلانی دیده در صدد سراغ واقعیت های پس پرده گردیم که چگونه مزوران و محیلان این احساسات شریفانه و پاک و درد ها و زخم های دیرینه را وسیله قرار داده حصول اهداف نهفته حقیقت این بهره برداری را میسازد.

چه خوب و شایسته خواهد بود که شخصی بدون مخفی کردن چهره اصلی اش تحت نقاب های دروغین با جرأت و شهامت بایستد و پیوند های حزبی و تنظیمی و عقاید سیاسی خود را علنی تبارز داده در صورت ارتکاب جرمی علیه مردم اعتراف نماید، و به چه پیمان اخلاقی خواهد بود که عذر و بخشایش بطلد.

شخصیت و موقف اجتماعی، شهرت نیک و صداقت یک شخص بدون شک در مؤثریت پیامش و مؤفقیتش در بدست آوردن هدف مطلوب فوق العاده ذی ارزش است.

در یک نوشته قبلی گفتم که شیوایی بیان و زیبایی نوشته، چه نظم و چه نثر استعداد طبیعی است ولی صفای نیت، عقیدت و صداقت روح هردو است.

هر پیشه و مسلکی را اخلاق و سجایی است که مجزا از فهم، دانش و مهارت های حرفوی است. این اخلاق که معمولاً قابل مراقبت و نظارت نیست و صرف وجدان بر آن حاکمیت دارد در همه ساحات فنی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و فرهنگی برای موفقیت عامل عمده بشمار میرود. باعدول و تخلف از این اصول شاید موفقیت هایی را کمایی کرد که مسلماً مؤقتی و عوام فریبی بیش نبوده و شهرت های کسب شده هم شهرت کاذب است.

مسئولیت بیشتر متوجه گیرندگان پیام است که در اخیر خط قرار دارند قضاوت سالم ایجاب می نماید که ارزش های والای اخلاقی معیار قرار گرفته و مجال سوء استفاده از احساسات پاک مردم به محیل، مزور، عوام فریب و گره خورده در منافع دیگران داده نشود و بایستی با آموختن از درس های بیشمار زمانه و مدارس روزگار ما باید پیام های رسیده را آگاهانه و عارفانه بررسی نموده با تربیه و تقویه قوه متمایزه فکری در تفکیک راست از دروغ و نیک از بد و صادق از کاذب بکوشیم و راه نفوذ عوام فریبان ولو با هر مهارتی که تبارز کنند بگیریم.

پایان